عصر آزادی
روزنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی
صاحب امتیاز: مؤسسه مطبوعاتی پیمان
مدیر عامل و مدیر مسئول: سید فرید پیمان
رییس هیئت مدیره و سردبیر: دکتر سید وحید پیمان
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز
گروه ۴ رتبه بندی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
امتیاز: ۴۷/۲

نشانی:
تهران – خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد – پلاک ۹۷ – طبقه سوم
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۷۱۸۴
آدرس تبریز: خیابان والمان،جنب بن بست یاوری ،
ساختمان آرکا ۵۱ طبقه اول
تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۸۴۵۴
مسئول آگهی ها: ۰۹۱۲۴۶۶۰۰۴۳
لینک تلگرام: https// telegram.me /asrazadi.ir
Email: asrazadi۹۸@gmail.com
www.asrazadionline.ir

جواد گلپایگانی:

تریاک داخل ماشینم برای «آینه عبرت» بود

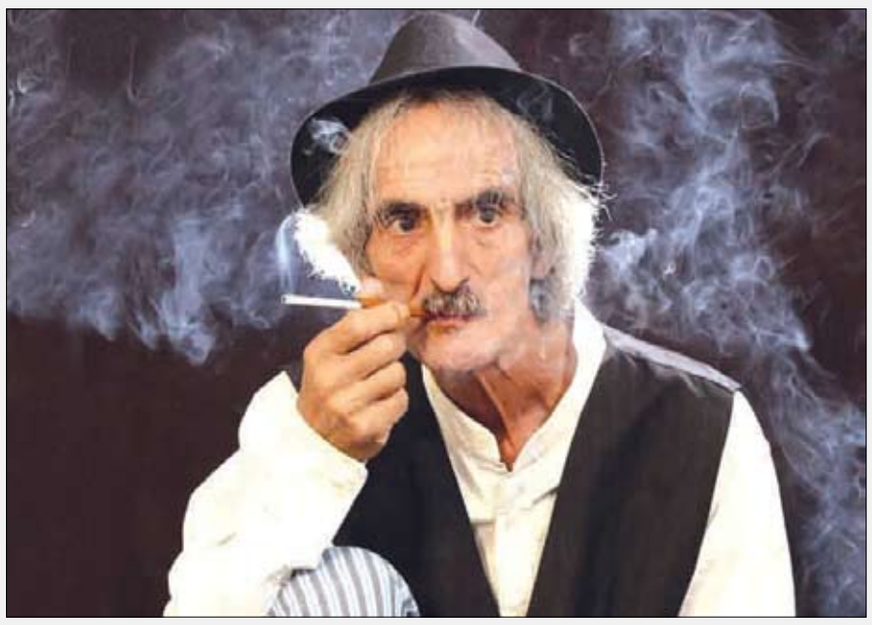

محمدجواد نظری گلپایگانی، بازیگر و تهیه‌کننده، بامداد امروز یکشنبه ۱۴ اسفندماه در خواب بر اثر سکته قلبی در ۷۲ سالگی از دنیا رفت. مصاحبه‌ای که از نظرتان می‌گذرد هشت سال پیش در سال ۱۳۹۳ توسط خبرنگار ایرنا با بازیگر نقش «آتقی» انجام شده است.

جواد گلپایگانی هفت فیلم سینمایی بازی کرده که در چهار موردش تهیه کننده هم بوده است. در تلویزیون هم علاوه بر بازی در سریال «آیینه عبرت» سریال های برگریزان و آتیه را در کارنامه دارد. او در سریال «آیینه عبرت» با ریتمی کند حرف می‌زد؛ سین را شین تلفظ می‌کرد و «ز» را «ژ» می‌گفت. جوان‌هایی که این سریال را دنبال می‌کردند نحوه حرف زدن «آتقی» را دوست داشتند و خیلی وقت‌ها ادایش را در می‌آوردند. سال ۱۳۶۸ او با سریالی که به نام «آیینه عبرت» پخش می‌شد درخشید و قله‌های محبوبیت را فتح کرد. او در سال ۱۳۸۰ تصادف منجر به جرحی با یک خانم داشت که آن خانم رضایت نداد و گلپایگانی به زندان رفت. آتقی به دلیل گرفتار بودنش در زندان بدهی های زیادتری بالا آورد و برای همین بدهی ها سال ها در زندان ماند. سال ۹۳ او بعد از تحمل حدود ۱۴ سال حبس با کمک ستاد دیه و خیرین گلپایگان از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده اش بازگشت.

مصاحبه با زنده‌یاد گلپایگانی پس از آزادی او از زندان انجام شده است.

زمان تصویربرداری «آیینه عبرت» صبح تا شب شما چطور سپری می‌شد؟

از صبح ساعت ۶ سر کار می‌رفتیم و بعضا تا ۴ بعد از نصفه شب کار می‌کردیم.

خاک کف پای مردم هستم

آن موقع بچه های دبستانی نقش شما را دوست داشتند و مثل شما تودماغی حرف می زدند. یادتان می آید؟

آن موقع این سریال گل کرده بود و همه آن را دوست داشتند. من را هم مردم آتقی کردند. من خاک کف پای مردم هستم. وقتی در ادارات می رفتم کارمندان همه با هم صحبت آیینه عبرت را می کردند. از جملات ما استفاده می کردند.

آن زمان چند تا فرزند داشتید؟

چهل ساله بودم و سه تا فرزند داشتم. یک پسر و دو دختر.

آ تقی: تریاک داخل ماشینم برای «آینه عبرت» بود

از هنرمندان آن زمان سریال الان با کدامشان ارتباط دارید؟

با همه شان در ارتباط هستم.

خاطره ای دارید از سر صحنه؟

خاطره زیاد دارم. ولی خیلی قابل نوشتن نیست.

حالا بفرمایید . شاید شد نوشت!

یک روز می خواستیم یک صحنه ای بگیریم. صحنه ای بود که علی تریاک را قائم می کرد و من برمی داشتم و می گفتم عجب تریاکی! به درد من می خوره. این تریاک ها را از اداره مواد مخدر سر صحنه آوردند. آن موقع ما داشتیم صحنه دیگری می گرفتیم. ماموران گفتند ما جای دیگری ماموریت داریم. این مواد را کجا بگذاریم؟ آقای دینی فرمودند که ببرید بگذارید داخل ماشین حاجی. یعنی ماشین من. این مواد را پشت صندوق عقب ماشین ما گذاشتند و رفتند. تا ساعت ۴ بعد از نصفه شب کار ما طول کشید و نتوانستیم صحنه تریاک ها را بگیریم. مواد هم ماند پشت ماشین من. من اصلا فراموش کرده بودم. آقای دینی هم فراموش کرده بودند. آن شب آمدم در میدان بهارستان بنزین بزنم و یادم آمد که ای داد بیداد پشت ماشین من چند کیلو تریاک است. در خیابان ولیعصر؛ همین طور که بالا می رفتم دیدم یک عروسی است که خیابان را بند آورده اند. من پشت ماشین عروسی مانده بودم. آنها گفتند شما که جزو ما نیستید لطفا جدا شوید. من دنده عقب گرفتم و از بغل این ها رفتم جلو. جلوی تلویزیون که رسیدم ماموران سازمان صدا و سیما من را کنار زدند. من هنوز گریم داشتم و لباس آتقی تنم بود. مامور گفت در صندوق عقبت چی داری؟ گفتم تریاک. گفتند شوخی نکن. گفتم والله تریاک دارم. سوییچ را گرفتند و در را باز کردند و دیدند آنجا پر تریاک است. گلنگدن را کشیدند و به من گفتند بیا پایین. من هم با همان لباس جلیقه آمدم پایین. رییس این ها بالاتر از من ایستاده بود. داد زد: «سرباز چی کار می کنی؟ آقای گلپایگانی ر بیار اینجا» من با خودم گفتم چه کسی بود که در تاریکی من را شناخت. من را بردند جلو و به سربازها گفتند اجازه بدهید ایشان برود. نگو آقای دینی بین راه یادش افتاده و با بی سیم سراسری اعلام کرده که به این ماشین کاری نداشته باشید. در آن لحظه قلب من به جای صد تا دو هزار تا می زد. آقای دینی من را آنجا نجات داد.

آن زمان آتقی معتاد به مواد مخدر قدیمی بود. الان آتقی احتمالا دارد شیشه و مواد توهم زا مصرف می کند. این نقش را هم می توانید بازی کنید؟

الان اتفاقا من می خواهم یک سریال درباره ماده مخدر شیشه و طلاق بسازم. در زندان که بودم فهمیدم در این جامعه طلاق خیلی زیاد شده. اکثرش هم به خاطر شیشه است. مرد شیشه ای است و زنش طلاق می خواهد. یا این که شوهرش را زندان انداخته و مهریه می‌خواهد. الان تصمیم گرفته ام یک سریال بسازم به نام «طلاق» که هم مواد مخدر داخلش باشد و هم طلاق. بلکه معضل این جامعه را بتوانم از بین ببرم.

بازیگرانش مشخص شده اند؟

با گروه قبلی آیینه عبرت کار می کنم.

در زندان ۵ فیلم ساختم

زمانی که زندان بودید فیلم ها و سریال ها را چقدر دنبال می‌کردید؟

من در خود زندان ۵ تا فیلم ساختم به نام هشدارها. فیلم های من در جشنواره زندان ها برنده شد و جایزه گرفت. به من یک تقدیرنامه دادند. یک دوربین دستی داشتیم. با متهم ها صحبت می کردم. تدوینش هم آقایی به نام رسول قادری انجام می داد. او هم زندانی بود. تدوین می کرد و تدوین گر خوبی هم بود.

پس در زندان زندگی کاملا جریان دارد.

بله. آنجا یک اداره فرهنگ دارد. من خودم مسوول تولید فیلم در اداره فرهنگی اوین بودم. الان کارتش هم همراهم است. آنجا برای زندانیان فیلم پخش می کردیم. موزیک پخش می کردیم. برایشان کار فرهنگی می کردیم.

الان ارتباط دارید با زندانی ها؟

به من که ملاقات نمی دهند. ولی آنها تلفنی با من تماس می گیرند. هر شب دو سه تایشان تماس می گیرند.

زندانی ها آدم های خوبی بودند؟

همه شان خوب بودند. آدم های خوب در زندان هستند. مهربان؛ نمازخوان، باخدا. آنها یک لحظه اشتباه کرده اند. آنجا کسانی هستند که دستشان به دهنشان می رسد. به آنهایی که ندارند می رسند.

آیینه عبرت را از زندان دنبال می کردید؟

بله. زمانی که آی فیلم پخش می کرد پای تلویزیون می نشستم و تماشا می کردم.

تلویزیون دیدن آزاد بود؟

اصلا هر اتاقی برای خودش تلویزیون دارد؛ یخچال دارد. مثل خانه خود آدم. هیچ فرقی نمی کند. حیاط هواخوری داشت. سینما داشت. بچه ها تئاتر روی صحنه می بردند. باشگاه بدنسازی بسیار خوبی داشت که من لنگه اش را در بیرون ندیدم. باشگاه ورزش های باستانی هم داشت. هر وقت می خواستیم برویم آزاد بود. زمین های فوتبال هم داشت. فوتبال هم بازی می‌کردند. بین بندهای مختلف مسابقه داده می شد.

الان دلتان تنگ می شود برای زندان؟

بله. برای بچه ها خیلی دلم تنگ می شود. اتفاقا دیشب یکی شان زنگ زد و گفتم خیلی دلتنگت هستم. آنها مردمان مهربانی هستند. حیف از این مردم که آنجا زندانی شدند.

علت زندانی شدنشان چیست از نظر شما؟

آقا اکثرا نداشتن پول.

اگر زندان نمی رفتید الان خیلی فیلم و سریال بازی کرده بود؟

بله خب. من ۱۴ سال است که کار نکرده ام. ایشالا حالا جبران خواهیم کرد.

گفته بودید می خواهید نقش های کمدی بازی کنید. درست است؟

اصلا جوهره من کمدی است. پسرم می گوید یک دوربین بگیرید و پشت سر بابای من در خیابان راه بروید. ببینید تا سر کارش برسد چقدر مردم را می خندانند. چه حرکاتی انجام می دهد که مردم خنده شان می گیرد.

چطوری مردم را می خندانید؟

بالاخره با حرف زدن و شوخی کردن حالشان را عوض می کنم.

در زندان به جز آیینه عبرت چه سریال هایی را می دیدید؟

همه کارها را می دیدیم.

سریال های قدیمی را بیشتر دوست دارید یا کارهای جدید را؟

کارهای قدیمی داستان داشت آقا! عشق و عاشقی نبود مثل الان. درد جامعه را می گفت. ولی این هایی که الان ساخته می شود درد جامعه نیست. الان در باز شده و هر کسی آمده رل (نقش) می خرد و بازی می کند. در را باز کرده اند و همه همین طوری آمده اند. از هیچ بازیگر قدیمی استفاده نمی کنند. یک نفر را که در یک سریال می بینید دیگر نخواهید دید. چون استعداد ندارد. داستان ها هم همه شده عشقی و کلاهبرداری. من دیروز در تلویزیون عرض کردم که در اخبار هم پخش خواهد شد. آقا همین الان آیینه عبرت را بگذارند و ببیننده اش چقدر است. آمار بگیرند. بعد از ۲۵ سال که سریال آیینه عبرت پخش شده بیننده اش بیشتر از سریال های جدید است.

آن موقع زمان پخش این سریال خیابان ها خلوت می شد؟

بله آقا! آژانس محله ما از دست من ناراحت بود. می گفت آقا تو این سریال را بازی کردی؛ وقتی پخش می شود هیچ زنگی به ما نمی خورد. همه در خانه هایشان هستند. چلوکبابی محله ما ناراحت بود. می گفت موقع پخش سریال هیچ کس نمی آید غذا بخورد.

البته سریال مخالف هم زیاد داشت. مثل کسانی که برای شما شایعه درست کردند و ...

قسمت های اول آیینه عبرت با ۳۷ هزار تومان تمام شد. آقای محمد هاشمی که رییس سازمان بود به یکی از سریال سازان گفته بود شما ۱۵ میلیون تومان بابت ساخت سریال گرفتید و نتوانستید مثل آیینه عبرت بیننده پیدا کنید. شما با این بودجه چه کار کردید؟

وقتی از زندان بیرون آمدید چه چیزهایی برایتان عجیب بود؟

اصلا تهران عوض شده. انگار که من به یک کشور دیگر رفته ام. این پل هایی که زده شده، اتوبان هایی که افتتاح شده...باور کنید بعضی جاها را گم می کنم. خاطرم نیست که اینجا کجاست. من ۱۴ سال نبودم و ندیدم تهران را. آقای شهردار چقدر زحمت کشیده و این خیابان ها را درست کرده. دستشان درد نکند.

مردم چقدر عوض شده اند؟

خیلی آقا! مهربانی شان خیلی کم شده. کاسب یک محله با کاسب بغلی اش بد است. من می روم چیزی می خرم می فهمم. به خاطر این که دخل این کم است و دخل آن یکی زیاد است. دوتایی با هم رقابت دارند. کاش رقابتی بود که کارشان بهتر بشود. نه این که چشم و هم چشمی کنند.

ماشین ها چقدر عوض شده اند؟

آن زمان من بنگاه ماشین داشتم. در کار لیزینگ بودم. اصلا همچین ماشین هایی نبود. من ۵۰ سال ماشین فروخته ام. ماشین های جدیدی آمده که من اسمش را هم نمی توانم یاد بگیرم.

آن موقع خودتان چه ماشینی داشتید؟

شورلت

الان چطور؟

هیچ چی. پیاده هستم. با اتوبوس رفت و آمد می کنم. در اتوبوس با مردم صحبت می کنم. مردم خوشحال می شوند من را می بینند. در کنار مردم هستم. چون گفتم من خاک کف پای این مردم هستم.

«هِناس» برنده دیپلم افتخار جشنواره فیلم آکولاد آمریکا شد

دیپلم افتخار جشنواره بین‌المللی فیلم آکولاد آمریکا به فیلم سینمایی «هِناس» ساخته حسین دارابی رسید.

به گزارش ایرنا از روابط عمومی سازمان سینمایی سوره، فیلم سینمایی هِناس، از تولیدات سازمان سینمایی سوره، به کارگردانی حسین دارابی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه دیپلم افتخار بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم آکولاد آمریکا را کسب کرد.

جشنواره بین‌المللی فیلم آکولاد که در سال ۲۰۰۳ تاسیس شده و هرساله در شهر کالیفرنیای کشور آمریکا برگزار می‌شود، به نمایش آثار کارگردانان، تهیه‌کنندگان، بازیگران و تیم‌های خلاق و بااستعداد فیلمسازی می‌پردازد.

فیلمنامه «هِناس» که در ژانر ملودرام عاشقانه توسط احسان ثقفی و مهدیه عین اللهی به نگارش درآمده؛ نخستین روایت دراماتیک و سینمایی دلهره‌آور از ترور یکی از دانشمندان هسته‌ای ایران شهید داریوش رضایی‌نژاد است که در زمان اکران سینمایی به فروش ۴ میلیارد تومان در سینماها رسید و هم‌اکنون اکران آنلاین خود را در پلتفرم فیلیمو آغاز کرده است.

مریلا زارعی در نقش شهره پیرانی، بهروز شعیبی در نقش داریوش رضایی‌نژاد، وحید رهبانی، سولماز غنی، امین میری، علیرضا نایینی، کوثر حیدری (هنرپیشه خردسال) و سیاوش طهمورث بازیگران این اثر سینمایی هستند. پخش بین‌الملل فیلم سینمایی «هِناس» برعهده مرکز بین‌الملل سوره است.

«دریادار بایندُر»؛ فیلمی که برای معمار نیروی دریایی معاصر ساخته می‌شود

«دریادار بایندُر» عنوان فیلمنامه‌ای است که قرار است به کارگردانی عبدالرحمن شلیلیان و مشاوره امرالله احمدجو و بهروز افخمی به فیلمی درباره معمار نیروی دریایی معاصر بپردازد.

عبدالرحمن شلیلیان برنده بخش فیلمنامه هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت برای فیلمنامه دریادار بایندُر در گفت وگو با خبرنگار سینمایی ایرنا اعزامی به عسلویه اظهار داشت: این اثر، کار سنگینی است و به پیش تولید مفصل و مبسوطی نیاز دارد.

وی افزود: نیروی دریایی ارتش تعهد لجستیک و پشتیبانی‌های مورد نیاز را کرده است. جام دریایی ایران هم قول‌هایی برای حمایت داده است. قرار شد جلسه‌ای با حضور فرمانده نیروی دریایی و مدیران ارشد دریایی کشور برای جلب مشارکت در تامین منابع مالی برای ساخت این فیلم برگزار شود.

شلیلیان خاطرنشان کرد: دریادار غلامعلی بایندر جدای از این که بنیانگذار و پدر و معمار نیروی دریایی معاصر است بنیانگذار بسیاری از نهادهای دریایی هم بوده است.

وی یادآوری کرد: در نود و چند سال پیش که بایندر کار خود را در حوزه دریا شروع می‌کند هیچ ارگان و نهاد دریایی در کشور نبود و یا به صورت جدی چیزی وجود نداشت، بنابراین عهده‌دار چند مسوولیت دیگر اعم از مقررت دریایی و امکانات ایمن لازم در دریا برای تردد کشتی‌ها هم بود و جامعه دریایی به صورت عام مدیون اوست.

شلیلیان گفت: فیلمنامه حاصل چندین سال مطالعه است و برای این کار تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است. به همین خاطر با رعایت خیلی مسایل با اتکا بر مستندات تاریخی، متن آن نوشته شده و با مشاوره امرالله احمدجو و مشاوره کارگردانی بهروز افخمی این فیلم ساخته خواهد شد.

غلامعلی بایندر (زاده ۲۳ آذر ۱۲۷۷ – درگذشته ۳ شهریور ۱۳۲۰) دریابان نیروی دریایی به مدت ۵ سال فرمانده این نیرو از مهر ۱۳۱۵ تا شهریور ۱۳۲۰ بود. وی در جریان درگیری‌های میان قوای ایران و انگلستان در جنگ جهانی دوم در خرمشهر در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۲۰ کشته شد.

یک داستان شنیدنی از نماد هالیوود

نماد عظیم هالیوود که سال‌ها همانند یک ستاره سینما در لس آنجلس ماندگار باقی مانده است در حالی ۱۰۰ ساله می‌شود که داستان پرفراز و نشیبی را برای تبدیل شدن به یک نماد از سر گذرانده است.

به گزارش ایسنا، تابلوی هالیوود که در اصل به عنوان تبلیغی برای توسعه املاک و مستغلات محلی ساخته شده بود، امسال ۱۰۰ ساله می شود و در حال آماده سازی است و چندین تغییر تبلیغاتی نیز خواهد داشت و در این حال تیم روابط عمومی این نماد با برنامه‌ریزی رویدادهای صدمین سالگرد در تلاش برای جمع آوری کمک های مالی برای ایجاد امکانات رفاهی بیشتر برای گردشگران، هستند. نماد هالیوود ممکن است یکی از شناخته شده‌ترین مکان‌های روی زمین باشد، اما روند نزدیک شدن به آن می‌تواند بسیار دشوار و عذاب‌آور باشد. حروف در نزدیکی بالای تپه‌ای شیب دار و بایر قرار دارند که توسط "کایوت‌های وحشی" و گاهی اوقات "مارهای زنگی" محافظت می شود. شما نمی‌توانید با ماشین به سمت آن رانندگی کنید و تلفن همراه شما نیز حتی ممکن است، مسیرهای صحیح پیاده روی را به شما ارائه ندهد.

برخی انتخاب می‌کنند تا از طریق پیاده‌روی در یکی از مسیرهای چند مایلی که در پارک گریفیث (بیابانی به مساحت ۴۰۰۰ هکتار که تابلو در داخل آن قرار دارد) به این نماد نزدیک شوند و برخی دیگر میانبر نیمه غیرقانونی را از طریق بیچ‌وود دره، محله‌ای ثروتمند در تپه‌های زیر نماد که در آن پیاده‌رو وجود ندارد و پارک در خیابان ممنوع است، برای رسیدن به آن انتخاب می‌کنند.

اگر از نقشه گوگل بپرسید که چگونه به سمت تابلو رانندگی کنید، شما را به مکانی کاملاً متفاوت یعنی رصدخانه گریفیث، تقریبا سه مایل دورتر می‌فرستد. از رصدخانه، جایی که پارکینگ ساعتی ۱۰ دلار هزینه دارد، می‌توانید از تپه‌های داغ و غبارآلود پیاده‌روی کنید تا به نزدیکی خود تابلو برسید. حتی در آن زمان، از پشت یک حصار سیمی غول‌پیکر، که توسط پلیس لس انجلس نظارت می‌شود، می‌توانید به حروف سفیدرنگ هالیوود نگاه کنید. مردم اجازه ندارند از حصار امنیتی عبور کنند، اما اگر فرصتی برای عبور داشته باشید، همانطور که روزنامه‌نگاران در یک تور مطبوعاتی ویژه صدمین سالگرد موفق به انجام آن شدند، منظره‌ای جادویی در انتظار شماست.

افرادی که با ستاره‌های سینما ملاقات می‌کنند اغلب می‌گویند که از نزدیک زیبا هستند، اگرچه بسیار کوتاه‌تر از آن چیزی هستند که روی پرده سینما به نظر می‌رسند. تابلوی هالیوود همینطور است، اما برعکس واقعا زیبا و به طرز تکان دهنده‌ای بزرگ است. شهر لس‌آنجلس در پشت این حروف غول پیکر، از دور می درخشد. اتومبیل‌ها در امتداد بزرگراه‌های روشن حرکت می‌کنند، مانند سلول‌های خونی که در رگ‌های شهر می‌جوشند.

به راحتی می توان درک کرد که چرا و با وجود همه موانع، گردشگران از سراسر جهان همچنان تلاش می‌کنند تا حد امکان به این نماد نزدیک شوند.

مانند برج ایفل، تابلوی هالیوود نیز در ابتدا قرار بود موقتی باشد و برای ۱۸ ماه به عنوان یک تبلیغ پر زرق و برق برای توسعه املاک و مستغلات هالیوودلند ساخته شد. اما این نماد باقی ماند و اکنون بر شهر حکمرانی می‌کند.

اما مسیر رسیدن از یک تبلیغ پر زرق و برق به یک نماد ماندگار سینمای هالیوود آسان نبوده و در طول دهه‌ها، نشان هالیوود باید از تراژدی‌ها، اخبار بد و فراخوان‌های آشکار برای نابودی جان سالم به در می‌برد. مانند بسیاری از همکاران سینمایی خود، روند تبدیل شدن به یک ستاره مستلزم تغییر نام جزئی بود و در سال‌های بعد، تغییراتی از جمله پوششی از رنگ سفید بر روی آن ایجاد شد و کارشناسان نیز به طور مداوم آن را از نظر اثرات فرسایش نظارت می‌کنند. هیچ سابقه دقیقی از زمانی که توسعه دهندگان برای اولین بار این حروف را که در ابتدا هالیوودلند (HOLLYWOODLAND) خوانده می شد را روی تپه قرار دادند وجود ندارد. تبلیغات مسکن به ندرت خبرساز می‌شد، حتی اگر یکی از مالکان کمپانی هالیوودلند «هری چندلر» ناشر لس آنجلس تایمز باشد. اولین ارجاعات روزنامه‌های گذرا به تابلوی هالیوود که در اصل با چراغ‌هایی که در شب چشمک می‌زند پوشیده شده بود، در دسامبر ۱۹۲۳ منتشر شد. این نماد در سال ۱۹۳۲ بدنام می‌شود، زیرا «پگ انتویستل» بازیگر ۲۴ ساله بریتانیایی و ستاره نوظهور سینما، بر اثر خودکشی در نزدیکی تابلو جان باخت اما از آن پس این تابلو نمادی شد از فریب و خطر موفقیت در صنعت فیلم. در طول رکود بزرگ، کمپانی املاک و مستغلاتی که نماد را تبلیغ می کرد از نظر اقتصادی با مشکل مواجه شد و در نهایت از بین رفت.

مدیر کل هنرهای نمایشی:

ممنوع الفعالیتی محلی از اعراب ندارد!

مدیر کل هنرهای نمایشی تاکید دارد در یک سالی که در این مسند قرار گرفته، کار هیچ هنرمند شاخصی در تئاتر رد نشده و شورای نظارت و ارزشیابی هم اجازه نداشته به هیچ متنی پاسخ «نه» بدهد.

کاظم نظری با تاکید بر اینکه بحث ممنوع‌الفعالیتی در تئاتر محلی از اعراب ندارد، می‌گوید با وجود مخالفت‌های بسیار با اجرای بعضی آثار نمایشی، از آن نمایش‌ها دفاع جانانه کرده است. او باور دارد که اتفاقا تئاتر می‌تواند جامعه را دچار بحران کند همچنانکه در فرانسه و روسیه چنین کرده و اگر در کشور مانیز طبقات پایین‌تر از طبقه متوسط بخواهند از تئاتر استفاده کنند، احتمال بحران‌سازی وجود دارد و همچنین از دشمنان زیاد کشورمان می‌گوید که در پی تصاحب ثروت مملکت ما هستند. آنچه پیش‌رو دارید، گفتگوی ایسنا با کاظم نظری، مدیر کل هنرهای نمایشی است. در این گفتگو تلاش کردیم تا از کلی‌گویی دوری کنیم و پرسش‌هایی جزیی و مصداقی را مطرح کنیم تا شاید آورده بهتری برای جامعه تئاتری داشته باشد. هرچند مدیر کل هنرهای نمایشی معتقد بود طرح بعضی از مباحث، کمک چندانی به توسعه تئاتر نمی‌کند، این گفتگو با تایید ایشان و با تغییراتی جزیی به انتشار می‌رسد.

در روزهایی صحبت می‌کنیم که به دلیل شرایط جامعه تعدادی از بچه‌های تئاتری به هر دلیلی نشد کار کنند. سال گذشته گفتید هنرمندانی را که از صحنه دور بوده‌اند، دعوت به کار می‌کنید. با توجه به اتفاقاتی که افتاده، چه برنامه‌ای دارید تا کسانی را که از خانه خودشان فاصله گرفته‌اند، به صحنه برگردانید؟

دقیقا همین است. وقتی شخص اول کشورمان، مقام معظم رهبری تمام کسانی را که مخالف و حتی در زندان بوده‌اند و جرم خود را پذیرفته‌اند، مشمول بخشش عمومی کرده‌اند، یعنی فضا برای همه باز است. به هر حال اتفاقی افتاده است و باید مدیریت می‌شده و اگر جایی اشکالاتی بوده، باید مرتفع می‌شده . در تئاتر، دوستانی که به هر دلیلی قهر کرده‌اند، بدانند اینجا در به روی هیچ هنرمندی بسته نیست. همان فرایندها هم سر جای خود باقی است. یعنی باید متن ارایه کنند، شورای نظارت متن را بخواند و بعد از پذیرش متن و بازبینی، اجرای خود را انجام بدهند. همه هدف ما این است که بتوانیم دوستان را به کار کردن تشویق کنیم چون اقتصاد زندگی‌شان هم از راه اجراست و اگر آن را بگیریم، معیشت و اقتصاد گروه‌های نمایشی ما دچار بحران می‌شود که باز هم این مساله به سمت ما برمی‌گردد و دوباره گرفتار خواهیم بود. به همین دلیل اصلا ممنوع‌الکاری نداریم .کار من سیاست‌گذاری و تسهیل کردن است. یعنی شرایط را تسهیل کنم تا هنرمند کارش را به بهترین شکل انجام بدهد. اینکه هنرمند درک کند که چه کاری را و چگونه باید انجام بدهد، خودش بهتر از من و شما قوانین و مسائل اجرایی را می‌داند و ما هم به او کمک می‌کنیم. تا این لحظه که با شما گفتگو می‌کنم، به هیچ گروهی «نه» نگفته‌ایم. همچنانکه بودجه بسیار محدودی برای حمایت از تولید تئاتر داریم. بسیاری گفته‌اند که این بودجه محدود را برای طیف خاصی بگذار ولی همه شاهدند که این بودجه متعلق به همه است. قرار نیست من نظری به دلیل خاص بودنم، پول بیشتری بگیرم و دیگری چیزی نگیرد. درباره اجرای گروه‌های نمایشی هم گفته‌ام که همه متن پیشنهادی خود را بیاورند و به تماشاخانه‌ها ارایه دهند. این داده‌ها وارد سیستم می‌شود و من اصلا نگاه نمی‌کنم که بگویم فلان شخص باشد یا نباشد. اگر متنی قدرتمند و تاثیرگذار باشد و مسائل روز جامعه را مطرح کند، قطع به یقین حمایت خواهیم کرد و کسی محروم از کار نخواهد بود.

دفاع جانانه کردیم با وجود مخالفت همه مملکت!

می‌فرمایید در به روی همه باز است، حتی کسانی که در این مدت واکنش داشته‌اند اما در بخش نظارت چقدر این انعطاف هست؟ در این همین مدت تعدادی از جوانان خوش فکر تئاتر دوست داشتند کار کنند و می‌خواستند با گروهی همکاری کنند که حضورشان روی صحنه می‌توانست رونق‌بخش تئاتر باشد، همان چیزی که شما و ما در پی آن هستیم. ولی تعدادی از آنان می‌گویند که در شورای نظارت این انعطاف وجود ندارد.

ـ اصلا این گونه نیست. صادقانه عرض می‌کنم چنین حرفی، بی‌تقوایی است. تا زمانی که من اینجا هستم، مطمئن باشید هیچ متنی را رد نمی‌کنیم. حق این کار را نداریم و اصلا چرا باید رد کنیم الا اینکه متن از نظر بار دراماتیک ضعیف باشد که این دیگر ارزیابی است و نه نظارتی. اینجا که حق داریم روی متنی سرمایه‌گذاری کنیم که بدانیم فروش دارد و مورد توجه عام قرار می‌گیرد و در رشد و تعالی تئاتر می‌تواند موثر باشد. متنی که مخاطب‌پسند نیست، غیر از هزینه و باری که برای آن سالن و مجموعه ایجاد می‌کند، چیز دیگری ندارد. این در همه جای دنیا هست. در کمپانی‌ها اگر گروهی ضعیف عمل کند، سریع حذفش می‌کنند.

نوبت اول
وزارت نیرو
شرکت سهامی آب منطقه ای هرمزگان
آگهی فراخوان
مناقصه عمومی با ارزیابی ساده
شرکت سهامي آب منطقه اي هرمزگان درنظر دارد " عمليات احداث پل كالورت بر روي رودخانه ميناب در محدوده روستاي گورزانگ" با حدود برآورد هزينه اجراي كار به مبلغ ۱۶/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال بر اساس فهرست بهاي سال ۱۴۰۱ از طريق مناقصه عمومي يك مرحله اي به پيمانكار واجد صلاحيت پايه ۵ رشته آب واگذار نمايد. مبلغ تضمين شركت در فرآيند ارجاع كار ۸۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ريال از نوع ضمانتنامه بانكي و يا واريز وجه نقد. مهلت خريد اسناد از سامانه ستاد ايران(www.setadiran.ir) با پرداخت مبلغ ۶/۰۵۰/۰۰۰ ريال از تاريخ درج اين آگهي و حداكثر تا مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۲، مهلت بارگذاري پيشنهاد قيمت و اسناد مربوطه تا ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۴ بوده و تاريخ بازگشايي پيشنهادات ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ مي باشد.
شناسه آگهی : ۱۴۶۵۷۸۴
روابط عمومی شرکت سهامی آب منطقه ای هرمزگان